

دکتر آگوست کانکل، تواریخ، جلسه ۹ اسرائیل تاریخی

گاس کنکل و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر آگوست کانکل است در تدریسش در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه ۹، اسرائیل تاریخی است.

ما داوود را با برپایی پرستش در اورشلیم تنها گذاشتیم.

اکنون می‌خواهیم برگردیم و درباره پادشاهی داوود صحبت کنیم، که وقایع‌نگار در فصل‌های منحصر به فردی به آن می‌پردازد تا پادشاهی را آنطور که تصور می‌کند، توصیف کند، آنطور که فکر می‌کند نمایانگر پادشاهی خدا در زمان خودش و همچنین در زمان داوود است. و بنابراین، این فصل‌های بعدی، فصل‌هایی هستند که وقایع‌نگار اساساً ما را به سمت مدیریت پادشاهی داوود در رابطه با لاویان و مقامات دولتی و همه وقایع سوق می‌دهد. بنابراین، وقایع‌نگار در فصل ۱۸ به عقب برمی‌گردد تا درباره برخی از جنگ‌هایی که داوود را قادر به تصرف سرزمین کرد، صحبت کند.

می‌دانید، اگر قرار است ملتی وجود داشته باشد، اگر قرار است نوعی پادشاهی وجود داشته باشد، باید سرزمینی وجود داشته باشد. و پادشاهی یهودا، قبیله یهودا، سرزمینی نسبتاً کوچک است، بنابراین تحت رهبری داوود بود که ما به چیزی شبیه به پادشاهی یا امپراتوری رسیدیم که در آن سرزمین کنترل می‌شود. بنابراین، وقایع‌نگاری ما را به درک برخی از جنگ‌های داوود هدایت می‌کند.

او با جنگ‌های فلسطین و موآب آغاز می‌کند. آنها مردم محلی هستند. فلسطینی‌ها کسانی هستند که به طور سنتی دشمنان اسرائیل در غرب بوده‌اند، اما بسیار رو به زوال بوده‌اند.

شهرهای فلسطینیان غزه، عقرون و اشدود بودند. اگر به اسرائیل مدرن فکر کنید، نوار غزه بخشی از قلمرو سنتی فلسطینیان است. و بنابراین، فلسطینیان همیشه در تلاش بودند تا آن قلمرو را به قبیله یهودا و در صورت امکان، تا رود اردن گسترش دهند، همانطور که هنگام فتح سائول انجام دادند.

اما کاری که داوود انجام می‌دهد این است که روند را برعکس می‌کند و فلسطین را فتح می‌کند. و موآب، البته سرزمینی درست در شمال رودخانه ارنون بود که به وسط دریای مرده می‌ریزد. و از آنجا، چیزی شبیه به یک فلات، یک رشته کوه مرتفع بود که به عنوان سرزمین موآب عمل می‌کرد.

سرزمین‌های وسیع‌تر آن تا حشبون، که آن سوی نوک دریای مرده است، امتداد داشت. بنابراین، این روایت چگونگی تصرف آن سرزمین در شرق دریای مرده توسط داوود است. سپس وقایع‌نگار در ادامه درباره فتح ادوم توسط داوود صحبت می‌کند.

حال، ما قبلاً در شجره‌نامه‌ها متوجه شدیم که ادوم همان کوه سعیر است. این همان سرزمینی است که از نوک جنوبی دریای مرده تا خلیج عقبه امتداد دارد. و این سرزمین در واقع توسط یک فدراسیون سست از مردم اشغال شده بود.

اما این شهر همیشه برای اسرائیل بسیار مهم بود، و داوود آن را فتح کرد تا به بندر عصیون-جابر که در خلیج عقبه قرار دارد، دسترسی پیدا کند. اسرائیل به مدیترانه دسترسی دارد و سپس دسترسی به جنوب از طریق خلیج عقبه امکان‌پذیر بود. و برای اینکه امپراتوری‌های داوود و سلیمان بتوانند به کار خود ادامه دهند، به کمک فنیقی‌ها و صور و صیدا در شمال نیاز داشتند، زیرا آنها دریانورد بودند.

و سپس مردم عصیون-جابر در جنوب. بنابراین اهمیت این جنگ‌ها در همین است. پس از اینکه وقایع‌نگار این را توصیف می‌کند، فهرستی از بزرگان قوم داوود ارائه می‌دهد.

و در اینجا ما تکرار نام‌هایی را داریم که قبلاً داشته‌ایم. کسانی که رهبران نظامی آنها بودند، مانند بنایا و یوآب. کسانی که مقامات اداری، کاهنان و کاتبان آنها بودند، مانند صادوق و غیره.

و نگهبانان کاخ، پس آن بنایا خواهد بود. و بنابراین فقط یک لیست کوتاه از این واقعیت وجود دارد که داوود یک پادشاهی بسیار منظم، یک ملت بسیار منظم، یک دولت داشت و آن را به سمت تبدیل شدن به یک پادشاهی گسترش می‌داد. سپس جنگ‌های داوود به شرق گسترش یافت.

در اینجا، ما سابقه‌ای از جنگ‌های داوود با آمون و سپس با آرامی‌ها داریم. اگر به قلمرو شرق دریای مرده فکر کنید، ما رودخانه یابق را داریم. و رودخانه یابق رودخانه‌ای است که به نوعی در وسط دریای مرده و دریای جلیل به رود اردن می‌ریزد.

و رودخانه یابق به سمت جنوب سرازیر می‌شود، همانطور که می‌توانیم آن را در آنجا ببینیم، جایی که شهر اصلی ریح قرار دارد. بنابراین، این نبرد در واقع یک نبرد کاملاً مشهور است که با جزئیات در کتاب سموئیل روایت شده است، جایی که مردم عمون، که در شرق رودخانه یابق بودند، یعنی عمونیان، کسانی بودند که برای داوود و امپراتوری او مشکل ایجاد کردند. حال، در کتاب سموئیل، بین فصل ۱۰ و فصل ۱۱، واقعاً یک گذار بسیار ناگهانی در مورد اینکه عمونیان چه کسانی بودند و چه می‌کردند، وجود دارد.

می‌خواهم بخش کوچکی از طومارهای سموئیل دریای مرده را برایتان بخوانم. این بخش، بدون شک، به دلیل چیزی که ما آن را هاپلوگرافی می‌نامیم، حذف شده است. به عبارت دیگر، کاتبان از کلمات و حروف مشابه در یک خط به کلمات و حروف مشابه در چندین خط پایین‌تر، صرف نظر کردند.

در اسناد سموئیل، که تا زمان کشف طومارهای دریای مرده در اختیار داشتیم، این آیات ناشناخته بودند اما در طومار سموئیل، همانطور که از طومارهای دریای مرده به دست ما رسیده است، این آیات بسیار زیاد وجود دارند. من ناامیدکننده می‌دانم که با وجود اینکه مترجمان کتاب مقدس دوست دارند نقد متنی انجام دهند و به متون به همان شکلی که نوشته شده‌اند، بازگردند، تمایلی به گنجاندن این آیات ندارند.

در واقع دو ترجمه وجود دارد که این کار را انجام می‌دهند. یکی ترجمه‌ی جدید زنده و دیگری ترجمه‌ی استاندارد اصلاح‌شده است. اما فکر می‌کنم چند آیه‌ی بسیار مهم وجود دارد که می‌خواهم در مورد عمونیان برای شما بخوانم.

ناحاش، پادشاه عمونیان، به شدت مردم جاد و رؤیین را که در شرق رود اردن زندگی می‌کردند، سرکوب می‌کرد. حال، به یاد خواهیم آورد که اینجا قلمرو رؤیین، درست همینجا، و جاد، همینجا بود. حال، آنها از لحاظ تئوری در غرب عمونیان بودند، اما البته عمونیان که در اینجا، در شهر اصلی ربه، در سرچشمه‌های رود یبوق، زندگی می‌کردند، اغلب در جنگ بودند و سعی در گسترش قلمرو خود داشتند.

بنابراین، او چشم راست هر یک از بنی‌اسرائیلی‌هایی که آنجا زندگی می‌کردند را کور کرد و به کسی اجازه نداد که بیاید و آنها را نجات دهد. جنگ همیشه وحشتناک و بی‌رحمانه است. وقتی این چیزها را در مورد جنگ در عهد عتیق می‌خوانیم، باید به یاد داشته باشیم که واقعاً در زمان ما هم فرقی با امروز ندارد.

ما الان بیشتر در مورد سندرم استرس پس از سانحه صحبت می‌کنیم، اما در واقع چیزی که هست اثرات چیزی است که فرد در جنگ می‌بیند، و این موضوع کاملاً با ما همراه است، چه در مورد افغانستان صحبت کنیم و چه در مورد عراق چند سال پیش. این چیزها وحشتناک و وحشیانه هستند. نکته‌ی درآوردن چشم راست این بود که اکثر جنگجویان با کشیدن تیر به عقب با دست راست خود شلیک می‌کردند، بنابراین چشم راست همان چشمی بود که برای هدف‌گیری استفاده می‌کردند.

بنابراین، این روش ناتوان کردن سربازان اسرائیلی بود. بنابراین، عمونیان علیه قبایل رئوبین و جاد می‌جنگیدند و جنگجویان آنها را ناتوان می‌کردند. در واقع، از تمام اسرائیلی‌های شرق اردن، حتی یک نفر هم نبود که چشم راستش توسط ناحاش کور نشده باشد.

اما، ۷۰۰۰ مرد بودند که از دست عمونی‌ها فرار کرده بودند و در یابیش جلعاد ساکن شده بودند. بنابراین یابیش جلعاد شهری بود کمی در شمال، در منطقه سوکوت، جایی که آنها به عنوان یک دولت اسرائیلی از حفاظت بیشتری برخوردار بودند. و سپس در آنجا با ناحاش، پادشاه عمونی‌ها، آشنا می‌شویم که می‌آید و سربازان اسرائیلی را تحقیر می‌کند، این چیزی است که وقایع‌نگار به ما می‌گوید، و چیزی است که کتاب سموئیل نیز به ما می‌گوید.

بنابراین، این پیشینه‌ی این داستان خاص تحریک آمون است. حال، در این داستان، همانطور که وقایع‌نگار می‌گوید، آموئیان تصمیم گرفتند که حریف بنی‌اسرائیل نیستند و از آرامی‌های شمال کمک خواستند. و البته، آرام تمام راه شمال دریای جلیل، از دمشق تا منطقه‌ای به نام آرامزوبا را گسترش داد.

اما وقایع‌نگار به ما یادآوری می‌کند که چون داوود وفادار بود و چون خدا کسی بود که برای او می‌جنگید این اتحاد شکست خورد. بنابراین، این شکست با نابودی پایتخت عمونیان در ربه پایان یافت. سپس وقایع‌نگار به عقب برمی‌گردد تا چیزهای بیشتری در مورد پروزی‌های دیگر بر فلسطینیان، جنگ غزه که در غرب یهودا است، و شکست برادر جالوت برای ما تعریف کند.

این چیزی است که در تواریخ بسیار واضح است، اما در سموئیل کاملاً واضح نیست. در سموئیل، در روایت، این داوود است که جالوت را می‌کشد. اما در واقع، در روایت سربازان قهرمان دوم سموئیل فصل ۳ [دوم سموئیل ۱۹:۲۱]، این الحانان است که جالوت را می‌کشد.

حالا، وقایع‌نگار این متون را به شیوه‌ای متفاوت خوانده است، و کاملاً منطقی است که فکر کنیم حق با او بوده، که وقایع‌نگار شکست، فتح الحانان را برادر جالوت خوانده است. بنابراین، من نمی‌دانم که این تناقض بوده که وقایع‌نگار را آزار داده است. فکر نمی‌کنم اینطور باشد، زیرا او تناقضات را همانطور که در منابعش هستند، باقی می‌گذارد، اگر اینطور آنها را پیدا کند.

او به سادگی منابع خود را اینگونه تفسیر کرد که مردی که الحانان شکست داد، برادر جالوت بود. سپس جنگی در جت رخ داد و وقایع‌نگار از شکست غول در آنجا صحبت می‌کند. بنابراین، اینگونه بود که پادشاهی داوود از شهر اورشلیم و سرزمین‌های اطراف آن، از شرق بر موآب، از جنوب بر ادوم، از غرب بر فلسطینیان، اما سپس به شرق و شمال در آن سوی رود اردن با شکست آرامی‌ها به همراه عمونیان گسترش یافت، زیرا این دو با هم متحد شده بودند و هر دو توسط ارتش داوود شکست خوردند.

بنابراین، اکنون ما یک قلمرو بزرگ داریم که به امپراتوری داوود تحت کنترل او تبدیل شده است، چیزی که قرار است به عنوان پادشاهی داوود شناخته شود، که از خلیج عقبه در شمال تا رشته کوه‌های لبنان در قلمرو آرامزوبا امتداد دارد. بنابراین، این اکنون منطقه‌ای است که توسط داوود اداره نمی‌شود، تا آنجا که

قلمرویی است که او بر آن اعمال قدرت می‌کند، رهبران آنها را منصوب می‌کند و از آنها خراج می‌گیرد. به عبارت دیگر، وقایع‌نگار در اینجا به ما می‌گوید که داوود چگونه به یک امپراتوری تبدیل می‌شود.

من دکتر آگوست کانکل هستم و در حال تدریس در مورد کتاب‌های تواریخ. این جلسه ۹، تاریخ اسرائیل است.